

واکاوی جهان‌بینی اندیشه سیاسی در مولفه‌های حکمرانی ج.ا.ایران (مطالعه موردی مولفه عدالت)

حمیدرضا معمری^۱، جلال درخشه^۲، سید مصطفی ابطحی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶

چکیده: کارآمدی نرم‌افزار حکمرانی در نظام‌های سیاسی با ایفای نقش پیش‌برنده اندیشه سیاسی در هم تنیده است. شناخت ابعاد و ترسیم موقعیت مطلوب این نقش‌آفرینی منوط به درک جهان‌بینی اندیشه سیاسی در چارچوب مولفه‌های حکمرانی است و می‌تواند به ترسیم جایگاهی متین و افقی روشن برای این دانش متناسب با نیازهای زیست‌بوم ایرانی-اسلامی کمک نماید. این پژوهش تلاش دارد ضمن بهره‌گیری از دانش بینارشته‌ای آینده‌پژوهی با تکیه بر روش ترسیم چشم‌انداز، جهان‌بینی محوری اندیشه سیاسی را مبتنی بر اسناد بالادستی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مشخص نماید تا پلی از ساحت اندیشه سیاسی به سمت سیاست‌گذاری آینده‌پژوهانه اندیشه سیاسی بسازد و راه برای دست یافتن به الگوی تراز پیشرفت هموار نماید. بر اساس این پژوهش، جهان‌بینی محوری اندیشه سیاسی در مولفه‌های حکمرانی ج.ا.ایران به ویژه مولفه عدالت به عنوان یکی از کارکردهای اساسی حکمرانی، بر تلازم شریعت توحیدی اسلام با سیاست تأکید دارد. همچنین بهره‌گیری از فقه سیاسی در کنار توجه به عقلانیت پیوسته با معنویت و عدالت نیز ضرورت دارد. اندیشه سیاسی در این قواره صرفاً به معنی علم قدرت‌اندیش نیست، بلکه بالعکس؛ حکمت حکمرانی مومنانه‌ای است که شریعت‌اندیش و سعادت‌نگر می‌باشد و به نحوی جامع‌الاطراف، همه وجوه حیات مادی و معنوی فرد، جامعه و ساحت سیاست را به اتکای خواست و اراده جمهور مردم با غایت پیاده‌کردن عدل و قسط حقیقی سامان می‌دهد.

واژگان اصلی: جهان‌بینی، اهداف، ارزش، اندیشه سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی گرایش، اندیشه سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استاد گروه علوم سیاسی، اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران و نیمه وقت گروه علوم سیاسی، اندیشه سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). j.dorakhshah.yahoo.com
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. بیان مسئله

اندیشه سیاسی پیشینه‌ای سترگ در تاریخ تفکر و جایگاهی تعیین‌کننده در حیات و عینیت اجتماعی سیاست بشری را داراست، به نحوی که؛ کارآمدی نرم‌افزار حکمرانی در گرو ایفای نقش شایسته و پیش‌برنده این دانش است. یکی از مسائل مهم در رهگذر این نقش‌آفرینی، کشف و شناسایی جهان‌بینی محوری از منظر مولفه‌های حکمرانی و ترسیم جایگاه این مولفه‌ها می‌باشد.

جهان‌بینی محوری، قوام هویت هر منظومه‌ی معرفتی است و شناخت‌ها بدون نیل به درکی کلان از آن، امری جزئی، درونی، پراکنده و بدون انسجام خواهند بود. واکاوی جهان‌بینی از سویی زمینه‌ی رشد و بالندگی اندیشه سیاسی را در چارچوب حکمرانی مدنظر فراهم می‌آورد و از سویی دیگر، موجب ارتقای مولفه‌های حکمرانی می‌شود.

هر چند تاکنون به خصوص در دهه‌ی اخیر و ممارست مجموعه‌های اندیشه‌ورز پیرامون حکمرانی ج.ا.ایران به ویژه تلاش‌های مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پژوهش‌های شایسته‌ای در این زمینه صورت گرفته اما به نظر می‌رسد اندیشه سیاسی در چارچوب حکمرانی ج.ا.ایران، باتوجه‌به خیل گسترده افکار غیر بومی و ابتکار عمل ناکافی در نظریه‌پردازی آزاداندیشانه، جایگاه شایسته خود را نیافته است. در این راستا موفقیت کارپردازی اندیشه سیاسی منوط به جاری شدن جهان‌بینی محوری اسلامی در شریان‌های تفکر بنیاد و پایبندی به لوازم و اقتضائات آن در مولفه‌های حکمرانی از جمله عدالت به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف و کارکردهای حکمرانی ج.ا.ایران است.

۲. مفهوم شناسی

۲.۱. جهان‌بینی

جهان‌بینی به معنای نگرش انسان به هستی و توجیه و تبیین آن در رابطه با انسان است و منظری در مورد حیات، جهان و انسان‌ها دانسته شده است. (Dewitt, 2018:188) همچنین چشم‌انداز اساسی درباره جهان و ارتباط آن با خود، جهان‌بینی عنوان شده است. (Nash, 2010:4) به بیانی دیگر دید کلی که انسان از جهان هستی دارد و بر اساس آن به تعبیر و تفسیر می‌پردازد، جهان‌بینی نامیده می‌شود. در کلامی، جهان‌بینی یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ درباره جهان و انسان و به

طور کلی درباره هستی می‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۷: ۶۴) تمامی نظام های سیاسی برخوردار از ماهیت ایدئولوژیک یا غیر از آن، جهان بینی دارند؛ البته ممکن است جهان بینی مزبور در روبنای سیاسی حکمرانی چندان قابل مشاهده نباشد.

درک جهان بینی منظومه های معرفتی در چارچوب حکمرانی ج.ا.ایران منوط به فهم درستی از مبانی، اهداف و کارکردهای ج.ا.ایران به عنوان یک حکمرانی برآمده از اصول مبعث از دین و الگوی حکومتی متخذ از شریعت دینی، ارائه داد. در این خصوص باید شاخص های پنج گانه معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، روش شناسی و ارزش شناسی را شناسایی نمود. این شاخص ها با جهان بینی های ماده گرا که قائل به برابری هستی و ماده؛ دائمی و پایداری آن، فقدان دلیل و غایت نهایی برای دنیا و در نهایت معتقد نبودن خلق طبیعت و حضور خالق هستی که ناظر بر تمامی عوالم حیات و ممات نیز هست، می‌باشد. دانش شریعت محور در جایگاهی مخالف با علوم طبیعت اندیش می‌نشینند و پایبند به قرابت عقل و شرع هستند.

۲،۲. اندیشه سیاسی

از میراث گرانبهای تفکر بشری، حجم وسیعی از مطالعات سیاسی باقی مانده که تعریف آن را دشوارتر ساخته است. اندیشه سیاسی به عنوان جزئی از دغدغه های اندیشه بشر و کوشش او برای تعریف تبیین و تعیین مناسبات خویش با خارج، همیشه با زندگی اجتماعی ملازم بوده است. هدف اندیشه سیاسی به خودی خود، کشف حقیقت سیاست نیست؛ بلکه کوششی عملی برای یافتن راه حل هایی در جهت افزایش کارآمدی نظام سیاسی و اداره بهتر جامعه است. (رجایی، ۱۳۷۵: ۱۵) واکاوی مفهوم اندیشه سیاسی در چارچوب حکمرانی ج.ا.ایران نیازمند بررسی سابقه این مفهوم در زیست بوم ایران و سیر آن در اندیشه سیاسی اسلامی می‌باشد؛ اندیشه سیاسی در ایران باستان، در ردای اندیشه های سیاسی ایران شهری و شاهی آرمانی نمایان شده است. (مینوی، ۱۳۵۴) به دنبال ظهور اسلام در جغرافیای تمدنی غرب آسیا و سپس فتح سرزمین های مجاور از جمله ایران، اندیشه شاهی آرمانی به سمت مبادی تمدن اسلامی رفت و توانست خود را در مقاطع تاریخی بازتولید کند. در اندیشه اسلامی اسلامی، مطالعات سیاسی بر مدار نص و

با سرشتی تفسیری شکل می‌گیرد و در قالب فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و کلام سیاسی سامان یافته است.

۲,۳. حکمرانی

«حکم» در لغت به معنای فرمان، قاعده، قانون و امثال آن است و «راندن» به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش بردن و راهبری می‌باشد. حکمرانی نیز به معنای حکومت و فرمانروایی و نیز عمل و شغل حکمرانی آمده است. (معین، ۱۳۸۶: ۱۰۳۶) در آموزه‌های قرآنی حکمرانی به عنوان روش اعمال قدرت یا حاکمیت با مسئله امامت و ولایت گره خورده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۰: ۱۷) در واژه شناسی لاتین نیز حکمرانی به واژه یونانی **Kubernan** به معنای هدایت کردن یا اداره کردن است اما؛ در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه حکومت **Government** استعمال شده است.

حکمرانی به سازمان‌ها و افرادی می‌پردازد که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات نقش دارند و گروه‌های اصلی از بازیگران دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی را شامل می‌شود. مولفه‌های اصلی حکمرانی در سه محور قابل‌ارائه است: ۱. مولفه-هایی که مربوط به مبانی حکمرانی است. ۲. مولفه‌هایی که به شیوه یا الگوی حکمرانی توجه دارند و به دنبال تجویز الگوهای مطلوب خود بر اساس شاخص‌هایی تعریف شده هستند. ۳. مولفه‌هایی که مربوط به کارکرد یا هدف و غایت حکمرانی بوده و در مفهوم حکمرانی خوب مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله عدالت، شفافیت، مشارکت مردم و قانون.

۲,۴. عدالت

عدالت از ریشه عدل و به معنای دادگری آمده است. عدل به عنوان اسم مجرد و مشتق از فعل در زبان عربی آمده و برخوردار از این معانی است: ۱. راست کردن یا راست نشستن، تعدیل و اصلاح کردن؛ ۲. دوری گزیدن جدایی یا از راه باطل به راه راست و آوردن؛ ۳. برابر یا متساوی بودن، جفت‌وجور کردن یا هم‌سنگ کردن؛ ۴. متوازن یا هم وزن کردن یا در یک وضعیت برابر قراردادن؛ ۵. عدل به معنای مثل یا شبیه است. (خدوری، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۷) علاوه بر این فارابی در واکاوی محتوای عدالت گفته است: ۱. ویژگی ماهوی انتظام کائنات؛ ۲. رعایت اهلیت و شایستگی و سلسله‌مراتب؛ ۳. ملکه

اخلاقی در فرد در جهت عمل به فضایل اخلاقی؛ ۴. اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط و ۵. تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی در مدینه مثل امنیت سلامت کرامت و مراتب. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۸۷-۱۷۹)

عدالت در زبان لاتین معادل Justice از ریشه لاتینی Jus به معنای حق یا قانون است. (حسینی زاده ۱۳۹۵، ۱۰۳) این واژه در یونان باستان فراتر از معنای معادل آن در انگلیسی بوده و به عنوان اصول و معتقدات اخلاقی ترجمه شده است. (فاستر، ۱۳۷۳: ۱۲۰)

۳. پیشینه پژوهش

با تأکید بر منظر روش‌شناختی و آینده‌پژوهانه این نوشتار، آثار کمی در دسترس مشاهده شده است. عمده آثار منتشره به برشماری جهان‌بینی در امر و عمل سیاسی پرداخته‌اند. ضمن اینکه توجه به مقوله جهان‌بینی در دوره حکمرانی ج.ا.ایران کمتر جلب شده است. به عنوان مثال فرهنگ رجایی در کتاب معرکه جهان‌بینی‌ها متمرکز بر تحلیل تضارب جهان‌بینی شرق و غرب در محیط ایران و هویت است و به نقش و جایگاه اسلام و اثر انقلاب اسلامی در شکل‌دهی به حکمرانی جدید و تغییر ماهوی آن در این خصوص توجه چندانی نمی‌نماید. (رجایی، ۱۳۷۶)

با این حال، پژوهش‌هایی که آینده‌نگاری توصیفی و تجویزی را پیرامون الگوسازی برای علوم انسانی صورت می‌دهند و ارتباط آن را با سازوکار حکمرانی نظام ج.ا.ایران برقرار می‌کنند، تقارن بیشتری با مضامین این پژوهش یافته‌اند. احمد ساعی ضمن واکاوی مفهوم حکمرانی خوب و بررسی اسناد بالادستی ج.ا.ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره)، رای به عدم تضاد مبنایی میان آنها می‌دهد. (ساعی، ۱۳۹۸) اعظم میرزمانی سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان در عین توجه و تقید به ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایران، از علوم اجتماعی معاصر بهره گرفت. البته این پژوهش صرفاً به دنبال کشف دلیل بنیادین خط مشی‌گذاری عمومی در فرهنگ اسلامی است. (میرزمانی، ۱۳۹۵)

ترک‌زاده و همکاران او در پژوهش مدیریت پایه خود به مضامین نوشتار حاضر از حیث اهمیت و ضرورت درک جهان‌بینی در حکمرانی نزدیک شده‌اند. آنجایی که تصریح دارند یکی از اشکالات سازماندهی نهادی در ج.ا.ایران این است که مأموریت و

رسالت آنها با جهان بینی حاکم بر جامعه مشکل دارد و یا کارکردهای آنها با رسالت و مأموریت آنها در تضاد است. از همین رو یکی از کارهای اساسی ارائه یک جهت روشن در خصوص چشم‌انداز سازمانی است. (ترک‌زاده و سایرین، ۱۴۰۲) محمود فلاح در مقاله واکاوی معناشناسی منشاء قدرت سیاسی در پرتو جهان بینی قرآنی به نتایج کلان نوشتار حاضر مرتبط است. به خصوص در زمینه مبانی اساسی جهان‌بینی توحیدی اما این دستاورد در این پژوهش نسبتی با حکمرانی و دوره ج.ا.ایران برقرار نمی‌سازد. (فلاح، ۱۴۰۰)

یکی از تلاش‌های اصولی و مبنایی را متفکر خبیر شهید مطهری در اوایل حکمرانی ج.ا.ایران در کتاب جهان بینی توحیدی: مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی صورت‌بندی کرده است. ایشان با درک آینده‌نگانه بر لزوم تشریح و تبیین جهان‌بینی در حکومت اسلامی تأکید داشته تا ضمن مقابله با جهان‌بینی‌ها غیر بومی و معارض فرهنگ اسلامی، جهت‌گیری‌های کلان را مشخص نماید. هر چند این کتاب در حوزه مطالعات مبنایی دینی دسته‌بندی شده و متمرکز بر اندیشه سیاسی نمی‌باشد. (مطهری، ۱۳۷۷) گفتنی است طی سال‌های اخیر تلاش‌های چشم‌گیری تحت تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در زمینه تحول علوم انسانی و مطالعات سیاسی و در نهایت تدوین نسخه چهاردهم از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت صورت گرفته است.

وجوه ابتکاری این پژوهش بر این نکته دلالت دارد که؛ با استفاده از روش بینارشته‌ای آینده پژوهی، ابعاد جهان‌بینی محوری اندیشه سیاسی را در چارچوب مولفه‌های حکمرانی جهت سیاست‌گذاری روند دانش کشف نماید و جایگاه عدالت را به عنوان یکی از کارکردهای حکمرانی به تصویر بکشد.

۴. روش شناسی پژوهش

این نوشتار در احصای جهان‌بینی به عنوان مقدمه‌ای برای ترسیم چشم‌انداز دانش و حرکت در مسیر دانش‌های بینارشته‌ای، بر ترکیبی از الگوی آینده‌پژوهانه دو متفکر آینده-پژوهی یعنی مارتالیزی و ادوارد لیندامن تأکید دارد. در این روش با تمرکز بر اسناد بالادستی حکمرانی‌ها، جهان‌بینی محوری مشتمل بر ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین به نحو توصیفی، جمع‌آوری و در قالب نظام حکمرانی و منظومه معرفتی مدنظر تنظیم

می‌شود. اسناد بالادستی، ارتباط منسجمی با یکدیگر دارند و شارح، مبین و مقوم هم می‌باشند. در صورت حضور رهبران فکری عالی در رأس این حکمرانی‌ها، این اسناد در یک تعامل مبنایی با آرا و نظرات ایشان نیز قرار خواهند گرفت که بکارگیری شرح مزجی، این تبیین محتوایی را نمایان می‌سازد. شرح مزجی به تبیین مضمونی درون متنی بر اساس یک رشته از منابع مرتبط با یکدیگر گفته می‌شود.

هنجارهای راهنما و راهبر یک نظام سیاسی را ارزش‌های اساسی آن حکمرانی تشکیل می‌دهد و سامان‌بخش هویت آن می‌باشد. ارزش‌های اساسی متخذ از تمامی اسناد بالادستی حکمرانی است. این ارزش‌ها در حالی که دیدگاه‌ها و خطوط اصلی نگرش سیاسی ما را تشکیل می‌سازند، باعث می‌شود نگرش ساخته شده روی کنش‌های سیاسی ما نیز اثرگذار باشد و آن را تحت روندهایی مشخص هدایت کند. ارزش‌ها، مواضع مهم حیات بشری را مشخص می‌سازند. ارزش‌های موجود در بشر و جوامع بشری، هویت-های فردی و جمعی آنها را نیز سامان می‌دهند. (میرشاه ولایتی، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۹) اهداف بنیادین نیز عامل برانگیزاننده و امیدآفرین در اقدامات حکمرانی‌ها و عنصر اصلی تشکیل حکومت هستند. اهداف بنیادین از دل ارزش‌های اساسی بیرون می‌آیند و همواره غیرقابل تغییر و ثابت‌اند؛ اینان چراغ‌های نورافکن برای پیمودن مسیرهای حکمرانی هستند.

۵. گفتاری پیرامون نسبت جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی

صحبت از جهان‌بینی محوری ج.ا.ایران بی‌توجه به مضمون انقلاب اسلامی ناکافی است. مباحث متعددی راجع به رابطه‌ی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی شده است؛ برخی بر این باورند که انقلاب‌ها، پدیده‌هایی زودگذر در تاریخ جوامع بشری‌اند و بنابراین مأموریت انقلاب اسلامی را با استقرار نظام جمهوری اسلامی پایان‌یافته تلقی می‌کنند. (سریع‌القم، ۱۳۸۴: ۲۳۶) برخی از منظر دیگر، قائل به جدایی انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی نیستند و حتی تمایزی میان این دو مبحث قائل نمی‌شوند. دسته‌بندی دیدگاه‌ها در این خصوص به شرح زیر است:

۱. انفکاک انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی: این نظرگاه معتقد است که انقلاب

اسلامی یک رخداد تاریخی است و در نقطه‌ی اوج شکل‌گیری خود در ۲۲

بهمن ۱۳۵۷ و با سقوط رژیم پهلوی خاتمه یافت. در ادامه نظام جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ نیز مستقر شد. در این دیدگاه، بافتار یک نهضت و یک حکومت سیاسی از یکدیگر جداست.

۲. انقلاب اسلامی به عنوان مطلع جمهوری اسلامی: در این دیدگاه، انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی جدا دانسته نشده و برخوردار از رابطه‌ای به مثابه مقدمه و ذی‌المقدمه می‌باشند بر این اساس، انقلاب اسلامی پیشانی حرکت حکمرانی نظام جمهوری اسلامی و طلیعه شکل‌گیری آن است.

۳. حیات توأمان انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی: این دیدگاه معتقد است که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در یک هم‌زیستی کامل با یکدیگر قرار دارند و رهبران عالی انقلاب اسلامی، رسالت انقلابی خود را با تشکیل نظام جمهوری اسلامی خاتمه یافته نمی‌دانند. (محمدی، ۱۳۹۶: ۴۷-۶۹)

تبیین نگاه حضرت امام خمینی (ره) رهبر انقلاب کبیر اسلامی، به عنوان نظریه‌پرداز الگوی حاکمیتی جمهوری اسلامی حائز اهمیت است؛ ایشان انقلاب اسلامی را معلول کنش جمعی انسان انقلابی می‌دانند و انسان انقلابی را محصول انقلاب انسانی و انقلاب انسانی را محصول اسلام انقلابی تشریح می‌کنند. در حقیقت مشی‌گذاری‌های حاکمیتی در مراحل سه‌گانه فرایند خط‌مشی، شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی متأثر از زمینه‌هنجاری - معرفتی است که بر اساس تحلیل امام خمینی از انقلاب به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در درک امام «انسان انقلابی» شکل گرفته است. (هاشمیان و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۹ - ۸۰)

جمهوری اسلامی، به‌عنوان شکلی از حکومت، میوه و ثمره انقلاب اسلامی است و ظرف و قالبی است که ماهیت و محتوای انقلاب اسلامی را در خود نگه داشته است. رهبر انقلاب نیز با اشاره به ساخت حقیقی و حقوقی کشور تأکید دارند که ساخت حقوقی و رسمی، چارچوبی است که در اسنادی همچون قانون اساسی، ساختارهایی همانند مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی و فرایندهایی مثل انتخابات و... متبلور می‌شود. در کنار این، یک هویت حقیقی و واقعی نیز به‌مثابه روح در جسم، موجود است؛ به اعتقاد ایشان اگر محتوای نظام حکمرانی تغییر پیدا کند، هرچند ظاهر آن هم

باقی بماند، حکومت اسلامی نه فایده‌ای و نه دوامی خواهد داشت. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴)

مبانی نظری انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیان‌گذار آن حضرت امام خمینی (ره) ریشه در دانش شریعت‌پایه دارد و همین نقطه اساسی تمایز انقلاب کبیر اسلامی برای سایر انقلاب‌هاست. دانش شریعت‌پایه و دین‌محور است که سیاست و قدرت سیاسی را تعریف و از رهگذار تلازم دین و سیاست، ولایت، فقاقت و الگوی حکومتی ولایت فقیه را تبیین می‌کند. نقطه تفاوت اساسی دانش که ریشه در شریعت دارد با سایر علوم نیز همین جا ناشی می‌شود؛ دانش سیاسی دین‌مبنا، قدرت را به رسمیت می‌شناسد اما نه به عنوان غایتی کامل در فعالیت‌های سیاسی بلکه به مثابه ابزاری برای خدمت به خلق خدا. این نگاه مستلزم خویش‌داری و پرهیزگاری سیاسی است که از آن به عنوان یک فرقان تخصصی و تقوای اختصاصی می‌توان نام برد.

۶. جهان‌بینی محوری حکمرانی ج.ا.ایران

۶.۱. ارزش‌های اساسی حکمرانی ج.ا.ایران

حکمرانی ج.ا.ایران برخوردار از مولفه‌های ارزشی متنوع می‌باشد اما با استفاده از نگاه جامع و کلان‌نگر نسبت به تمامی اسناد بالادستی در کنار یکدیگر و مبتنی بر شاخص‌های تعریف‌شده پیرامون جهان‌بینی محوری، دو ارزش عام، اساسی و مبنایی را می‌توان برشماری کرد. ارزش‌های مذکور به وضوح و تواتر در جای‌جای اسناد بالادستی مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. این دو ارزش اساسی عبارت‌اند از: «اسلامیت» و «جمهوریت». استوانه‌های نظام ارزشی حکمرانی ج.ا.ایران بر پایه پایبندی به اسلام و استواری بر خواست مردم بنا نهاده شده است.

هر چند بررسی ابعاد اسلامیت در نظام ج.ا.ایران نشان می‌دهد که به‌نوعی مردم-سالاری با تصریح بر احترام به حقوق، کرامت و شرافت انسانی و مردمی نیز در میان مفاهیم آن آمده است. با این وجود مردم‌مداری و اسلام‌محوری به‌عنوان ارزش‌های محذقه و مبقیه و دلایل اساسی تولد و امتداد حیات نظام ج.ا.ایران به‌طور جداگانه تبیین

خواهد. در ادامه بحث و واکاوی بیشتر در این خصوص با استفاده از مستندات مندرج در اسناد بالادستی، صورت می‌پذیرد.

۶،۲. ارزش اساسی اسلامیت

ارزش اسلام‌مداری یا اسلامیت در اسناد بالادستی نظام ج.ا.ایران حائز جایگاه برجسته‌ای است؛ قانون اساسی تصریح دارد جمهوری اسلامی "مبین نهادهایی بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است" و "ویژگی بنیادی انقلاب اسلامی نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است." "سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، افق جامعه ایرانی را متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، ترسیم کرده است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۸/۱۲)

نقشه جامع علمی کشور در صدر ارزش‌ها، «حاکمیت جهان‌بینی توحیدی اسلام در کلیه ابعاد علم و فناوری» را نشانده است. در سند الگوی اسلامی - ایران پیشرفت بر همین وجه اسلامیت تأکید شده است به نحوی که مبانی و آرمان‌ها، وجه اسلامیت الگو را تضمین کنند. جنبه‌های اسلامی در اسناد بالادستی تصریح دارند که باید تمامی الگوهای پیشرفت متکی بر مبانی و اصول اسلامی و معارف و حیانی باشد و اهداف و کارکردهای حکمرانی نیز از همین ذخائر مایه بگیرند. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)

ارزش اساسی اسلامیت برخوردار از ارزش‌های ثانویه و تبعی است. در همین خصوص، اصل دوم قانون اساسی، ارزش اساسی اسلام را به واسطه شش ارزش تبعی توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت و نهایتاً کرامت انسان تعریف می‌کند. امام خمینی (ره) هدف غایی تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌های ملت مسلمان ایران، را تحقق ارزش تبعی و مقصد توحیدی می‌دانند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۴۴۹) ایشان هدف بعثت تمامی انبیا را بسط توحید و شناخت مردم از عالم معرفی می‌دارند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۱۹:۲۸۴) آیت‌الله خامنه‌ای توحید را رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی اسلامی می‌دانند که بر اساس آن حکومت و نظام ج.ا.ایران ایجاد شده است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

نبوت از رهگذر وحی و کسب پیام خداوند، جایگاهی ممتاز و برجسته در تهیه و پیاده‌سازی قوانین حکمرانی اسلامی و در قامت ارزش‌های اساسی ثانویه حائز اهمیت

است. امام راحل(ره) بر این حقیقت تأکید دارد که "کوثر شریعت و فقه، در جریان‌ی دائمی و ابدی، از سرچشمه وحی، به سوی عرصه‌های گوناگون حیات جاری است." (حسینی خامنه ای، ۱۳۷۴/۱۲/۲۴) مواصلت جهان مادی با آخرت و باور به تداوم اثر اعمال در طول حیات نامحدود بشر نامیرا در قالب یکی از ارزش‌های تبعی دیگر مورد تأکید است. امام خمینی(ره) بستر عمل دنیایی را چیزی جز تلازم آن باسعادت اخروی نمی‌بینند و در همین ارتباط، حکومت اسلامی سعادت را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۴۰۳:۲۱)

عدالت به‌عنوان یک ارزش اساسی ثانویه و فراگیر در اندیشه شیعی آمده است. امام خمینی(ره) تشکیل حکومت توسط پیغمبر اسلام (ص) را با انگیزه بسط عدالت اجتماعی معرفی می‌کند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۴۰۳:۲۱) امامت به عنوان یکی دیگر از ارزش ثانویه نیز در اندیشه شیعه جایگاهی مهمی دارد. این ارزش ثانوی، معتقد به انتصاب ولی امر از جانب خدا دارد که باید با مقبولیت مردمی نیز همراه شود تا بتواند در عرصه حکمرانی، ظهور کند و زمینه رهبری سیاسی جامعه اسلامی را فراهم آورد. امام خمینی(ره) در پاسخ به شبهات مطرح در جزوه اسرار هزارساله حکمی‌زاده، کتاب کشف‌الاسرار را می‌نویسد و در ابتدا با استفاده از دلایل عقلی، ضرورت وجود قانون و حکومت در اجتماع بشری را ثابت می‌کند و سپس با استفاده از براهین فکری و استناد به سیره معصومین(ع) ضرورت تشکیل حکومت را در همه زمان‌ها و مکان‌ها نتیجه می‌گیرد. علاوه بر این، حضرت امام(ره) در کتاب الرسائل به دنبال اقامه برهان برای تصدیق ضرورت ایجاد حکومت اسلامی است و با استفاده از فراگیری آموزه‌های اسلامی و به حکم عقل، فقیه را گزینه مطلوب برای پذیرش رهبری حکومت اسلامی معرفی کرده و روایات را تأییدکننده این حکم، ذکر کرده است. (موسوی خمینی، ۱۳۴۴، ۲:۹۴)

۳، ۶. ارزش اساسی جمهوریت

دیگر ارزش اساسی نظام ج.ا.ایران جمهوریت است. قانون اساسی که "تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند" وجه بارز حکمرانی اسلامی را «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی و فرهنگی خویش» می‌داند. در سند چشم‌انداز بیست ساله نیز مردم‌سالاری دینی یکی از وجوه اساسی جامعه ایران دانسته شده است و اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی را با «تأکید بر مردم‌سالاری دینی» پذیرفته است. همچنین در این سند «پیوستگی مردم و حکومت» جزو ویژگی‌های بارز حکمرانی ایرانی - اسلامی آمده است.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، جامعه مطلوب را با اتکا به آرای عمومی از رهگذر مشارکت آزادانه مردم در انتخابات معرفی می‌دارد. علاوه بر این، جمهوریت در آرا و نظرات رهبران سیاسی نظام ج.ا.ایران بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان ارزش جمهوریت را با اسلامیت نظام پیوسته می‌دانند و صحبت از تقدم یا تأخر آن را امری نامرتبب معرفی می‌دارند: «نظام اسلامی بر پایه‌ی اسلامیت و جمهوریت است و اینها از هم تفکیک ناپذیرند؛ آنهایی که این دو را از هم تفکیک می‌کنند، جمهوری اسلامی را نشناختند.» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۵/۱۲)

حضرت امام خمینی (ره) در مسیر تبیین مولفه‌های نظام ج.ا.ایران از سالیانی قبل‌تر از انقلاب بر این پیوستگی اشاره داشته‌اند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳:۵۱۵) امام پس از تصویب جمهوری اسلامی ماهیت خواست مردمی در چارچوب اسلام و دین را مدنظر داشتند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۴:۳۳۴) آیت‌الله خامنه‌ای نیز رأی مردم را به معنای واقعی کلمه تأثیرگذار و تعیین‌کننده در حکمرانی ج.ا.ایران دانسته‌اند. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴)

۶،۴. اهداف بنیادین حکمرانی ج.ا.ایران

اهداف بنیادین، انگیزه وجودی حکومت و غایاتی است که حکومت برای تحقق آنها برپا شده است. اهداف بنیادین در اسناد بالادستی صورت‌بندی گسترده‌ای دارد؛ در اصل دوم قانون اساسی، قسط، عدل، استقلال سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و همبستگی ملی به‌عنوان اهداف بنیادین نظام ج.ا.ایران بیان شده است. این اهداف بنیادین در اصل سوم قانون اساسی، به‌طور جزئی‌تر مطرح شده و تحقق آن از جمله محورهای زیر بر عهده دولت قرار گرفته است: «تقویت روح بررسی و تبعی و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی»، «تأمین آزادی‌ها»، «مشارکت عامه مردم در

تعیین سرنوشت خویش»، «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه»، «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه»، «تأمین خودکفایی»، «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد».

افق ج.ا.ایران برای آن در سال ۱۴۵۰ هجری شمسی چنین دانسته شده است: «مردم دیندار، پیرو قرآن کریم و سنت پیامبر و اهل‌بیت (ع)، خودآگاه به رسالت تاریخی، امیدوار به آینده تمدنی، خردورز، دارای سبک زندگی و خانواده اسلامی - ایرانی، برخوردار از روحیه جهادی، مسئولیت‌پذیر، قانون مدار، پاسدار ارزش‌ها و هویت ملی، نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی، تربیت یافته به فراخور استعداد و علاقه و شکوفا در مراحل معنوی، علمی و مهارتی و فعال در جایگاه متناسب‌اند و در عین تنوع قومی و تفاوت‌های فرهنگی، از احساس امنیت، آزادی، کرامت، آرامش، آسایش، سلامت و امید به زندگی در تراز والای جهانی برخوردارند.»

همچنین اهداف بنیادین در سند چشم‌انداز بیست ساله ذیل جامعه‌ای با این اهداف مطرح شده است: «ایران به عنوان مرجع معتبر در فرهنگ متعالی و علوم انسانی بر پایه مبانی و ارزش‌های اسلامی در تراز بین‌المللی شناخته می‌شود و در میان پنج کشور پیش‌رو جهان در تولید اندیشه و دانش و فناوری جای می‌گیرد و از اقتصادی دانش‌محور و خردبینان بر پایه عقلانیت، عدالت و معنویت اسلامی برخوردار و یکی از ده قدرت اقتصادی بزرگ جهان است. سلامت محیط زیست و پایداری منابع طبیعی، آب، انرژی، امنیت غذایی و نظام سکونتگاهی توزیع جمعیت بر اساس آمایش سرزمینی، با حداقل نابرابری فضایی در کشور فراهم می‌گردد و کشف منابع، خلق مزیت‌ها و فرصت‌های تازه و فراوانی و پایداری نعمت برای همگان با رعایت عدالت میان نسلی حاصل می‌شود. فقر و فساد و تبعیض در کشور ریشه کن می‌گردد و تکافل عمومی و تأمین اجتماعی جامع و فراگیر و دسترسی آسان همگانی به نظام قضایی عادلانه فراهم می‌شود.» همانگونه که مشخص است نظام اهداف بنیادین در حکمرانی ج.ا.ایران طیفی از مطلوبیت‌های مادی را در کنار دستیابی به سعادت معنوی و دینی در نظر گرفته است.

۷. جهان‌بینی اندیشه سیاسی در حکمرانی ج.ا.ایران

۷،۱. تحلیل اسناد حکمرانی ج.ا.ایران

پس از تشریح جهان‌بینی محوری نظام ج.ا.ایران، اکنون مناسب است که مباحث خود را از سطح کلان حکمرانی ج.ا.ایران، معطوف به اندیشه سیاسی کنیم. جهان‌بینی اندیشه سیاسی ناظر به الگوی حکومتی بوده و به دنبال استقرار عدالت و توحید فراگیر در جامعه جهانی تحت مدیریت امام معصوم(ع) است. اسناد بالادستی، اندیشه‌ورزی سیاسی را دارای بالاترین جایگاه و مهم‌ترین نقش در حیات اجتماعی و علمی کشور می‌داند. در بخشی از نقشه جامع علمی کشور عنوان شده است: «مبانی ارزشی نظام علم و فناوری کشور... برای نیل به جامعه جهانی سرشار از عدالت و توحید تحت مدیریت انسان کامل است.»

ارزش‌های اساسی در اسناد بالادستی عمدتاً به طور غیرمستقیم به اندیشه سیاسی مربوط می‌شوند اما محور متناسب با اندیشه سیاسی در آنها عبارت‌اند از: «ایجاد تحول بنیادین علمی بخصوص در بازمبانی و طراحی علوم انسانی در چارچوب جهان‌بینی اسلامی». علاوه بر این اهداف بنیادین در سند جامع علمی کشور بدین قرار عنوان شده است: «برخوردار از انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در طراز برترین‌های جهان». همچنین اهداف کلان نظام علم و فناوری کشور متناسب با اندیشه سیاسی عبارت‌اند از: «ارتقای سطح مطلوب تولید علم در علوم انسانی بر اساس مبانی اسلامی و نیازهای بومی.»

یکی از غایت‌های جامعه ایرانی، تحقق تحول و پیشرفت معنوی است که از عوامل آن گسترش خردورزی، حکمت‌آموزی و آزادی اندیشه و دانایی محوری در همه عرصه‌های جامعه است. به طوری که یکی از تدابیر در این خصوص «تقویت و گسترش تولید علم اصیل، بومی و سودمند در شاخه‌های علوم انسانی با بهره‌گیری از مبانی و منابع اسلامی و دانش بشری و ایجاد فرآیندها و سازوکارهای کاربست روزافزون این دانش‌ها» در نظر گرفته شده است. این تولید اندیشه می‌بایست در «گسترش مرزهای دانش و مطالعات و پژوهش‌های چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای، نوآورانه با هدف برآوردن نیازها و حل مسائل اساسی جامعه از رهگذر پشتیبانی فزاینده و مطالبه متناسب از موسسات و شخصیت‌های علمی کشور» مدنظر قرار گیرد. در افق ایران ۱۴۵۰ در این سند، مرجعیت

معتبر در فرهنگ متعالی و علوم انسانی بر پایه مبانی و ارزش‌های اسلامی در تراز بین-المللی است. علاوه بر این حضور در میان پنج کشور پیش‌رو جهان در تولید اندیشه و دانش و فناوری دیده شده است.

۷,۲. تحلیل آرای رهبران فکری ج.ا.ایران

در تحلیل اندیشه رهبران فکری نظام ج.ا.ایران، فقرات مهمی در خصوص ابعاد جهان‌بینی محوری اندیشه سیاسی وجود دارد که در سه بخش به آن اشاره می‌شود:

۷,۳. آسیب‌شناسی وضع موجود اندیشه سیاسی

مهم‌ترین آسیب عمده در اندیشه سیاسی، نگاه تک‌ساحتی و به بیانی تحویلی‌نگری است. این آسیب به طور مکرر مورد نقد رهبران فکری نظام ج.ا.ایران قرار گرفته است. رهبران فکری ج.ا.ایران، یک‌سونگری را میراث نامیمون علوم غربی و ناشی از مبانی متعارض با دین (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶)؛ جهان‌نگری عمدتاً مادی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸) و انسان‌گرایی بی‌چشم داشت به معنویت (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸) می‌دانند. اساسی‌ترین اثر تحویلی‌نگری، تقلیل دایره دین؛ جدایی دین از سیاست؛ تحدید غایت حکمرانی و عدالت فراگیر در جامعه بشری است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۴۶۱:۱۰)

علاوه بر این، عدم جرئت ورود در مناقشات علمی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۶/۱۴)؛ مهمل‌گویی به‌عنوان نوآوری (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۶)؛ نگاه متعبدانه به نظریات منسوخ غربی (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۴۱۵)؛ فقدان تقارن بین مطالب و ظرفیت‌ها و ملاحظه‌های لازم برای پژوهش‌ها (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸)؛ سستی در مطالب آموزشی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۹/۲۴) و... به‌عنوان نقطه ضعف و همچنین تحقیر خود و سلب اعتماد به نفس ملی (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۶۶)؛ انحراف از مسیر اعتلای کشور (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۴۱۳) و گرفتن روحیه خود باوری به‌عنوان تهدید در نظر رهبران فکری نظام ج.ا.ایران مطرح است. رهبران فکری نظام ج.ا.ایران بر ضرورت تحول در اندیشه سیاسی با پرهیز از ترجمه صرف نظرات غربی‌ها؛ خروج از جمود فکری و ترویج آزاد اندیشی

(موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳:۳۷۵)؛ پالایش تفکر و تجربه‌ی غرب با تکیه بر مبانی اسلامی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹) و تدوین اندیشه سیاسی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸) برای رفع نیازهای جامعه اسلامی (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۳۹۳) تأکید دارند.

۴، ۷. پیشینه وضع موجود اندیشه سیاسی

از منظر رهبران فکری نظام ج.ا.ایران، تمدن اسلامی معاصر به واسطه فقدان عنایت نسبت به قاعده اساسی در دین مبین اسلام یعنی توحید، دچار خسارت‌های بزرگی شده که آن را پس افتاده و ضعیف و بی جرئت و بی‌ابتکار کرده است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۳۹۳) یکی از علل عقب ماندن مسلمین و تمدن اسلامی از کاروان علم و دانش، عدم تفهم این مسئله است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۳۸۱) بیان این سابقه تاریخی به تهاجم‌های پی‌در پی مستکبران عالم علیه ملت و امت اسلامی و تخطئه استقلال فرهنگی و حقوقی کشور و در نتیجه دست دراز کردن پیش اجانب نیز تأکید دارد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۳۲۸)

از دیدگاه حضرت امام در ایران معاصر، توقف و کندی فعالیت‌های علمی - پژوهشی با روی کار آمدن سلطنت‌های قاجار و پهلوی به نهایت خود رسید و استبداد را به همراه استعمار خارجی، به ملت مستضعف ایران تحمیل کرد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۱۹:۳۱۸) تشبه به فرهنگ‌های غربی و فرنگی و اشاعه مظاهر فسادآمیز، ناشی از همین دوره است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۱۹:۳۳۰) رهبران فکری نظام ج.ا.ایران در مورد پیشینه و اکنون غرب معتقدند اندیشه ناهمگونی دین و علم ناشی از تحجر و واپس‌گرایی مراجع مذهبی از جمله کلیسای قرون وسطی بوده است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲:۳۱) این تعارض، بعدها یکی از زمینه‌های اساسی تفکر جدایی دین از سیاست می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲۱:۴۴۰) و تخیل حذف دین از تبادلات علمی جهان غرب با پیرامون خود ترویج می‌گردد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۸/۲۲)

رهبران فکری نظام ج.ا.ایران، دانش بی‌توجه به مبانی اخلاقی را نکوهیده می‌دانند و فرهنگ منحط موجود را دستاورد همین علم یک‌سویه‌نگر معرفی می‌دارند. این مهم، مصداق جهل حقیقی بشر دانسته شده که تبعیض را در جامعه‌های غربی، نهادینه ساخته

و ظلم را با از بین بردن معرفت حقیقی و پوشاندن انسانیت، پراکنده کرده است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳) آنچه مایه تاسف مضاعف است این است که فرازگیری دانش غربی مرهون بهره‌گیری از متون مطالعات درون جوامع اسلامی و مدیون بیداری علمی ظهور یافته در تمدن اسلام است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۷۸/۰۴/۱۰) موضوع دیگر، گسترش سبک زندگی ماده‌گرا و مبتنی بر نظام ارزش‌گذاری مادی برای علوم و برابر دانستن آن با صرف تولید سرمایه از طریق پول و ... است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۷۸/۰۲/۲۷)

۷،۵. شاکله و مبانی اندیشه سیاسی مطلوب

از منظر آرای رهبران فکری نظام ج.ا.ایران، شاکله و مبانی اندیشه سیاسی قائم بر جهان‌بینی اسلامی و همراه با رعایت تقوای الهی است. جهان‌بینی اسلامی دریچه شناخت‌های جدیدی برای انسان است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶) دین از این زاویه، زایشگر اندیشه سیاسی و برترین عامل محرک برای بسط آن است. سعادت بشر و استقرار عدالت در گرو چنین دانشی است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳) نقش و جایگاه فقه در این ارتباط بسیار چشم‌گیر است؛ چراکه این دانش از طریق باز کردن باب‌های تازه و رفع چالش‌های قانونی در اداره حکمرانی کشور باعث می‌شود فقه حکومتی اثرگذاری شایانی بر کارآمدی حکمرانی بگذارد. از طرف دیگر فلسفه اسلامی نیز مبانی منظومه معرفتی اسلامی را استوار و معارف قرآنی به دنبال سامان‌دهی ساختمان بلندمرتبه علوم انسانی خواهند بود. (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹)

رهبران فکری ج.ا.ایران ضمن تصریح بر اصطیاد اصول و مبانی مطالعات سیاسی از محتوای اسلامی و با تأکید بر جهان‌بینی محوری آن، ارائه‌ی روزآمد از سیاست را در عرصه‌های اجتماعی و جنبه‌های عمومی زندگی بشری خواستار هستند. (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹) در همین خصوص بیان پیشینه با شکوه علم‌گرایی در جوامع مسلمان به عنوان عنصر تعیین‌کننده در تهییج و شتاب‌دهی به حرکت تولید دانش مورد تأکید قرار دارد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۱:۳۷۴) همچنین مطالعات علمی که پیرامون معارف اسلامی شکل گرفته به عنوان یکی از عوامل تمدن‌سازی نام برده شده است. (حسینی خامنه ای، ۱۳۷۲/۰۹/۲۴)

سابقه باشکوه اسلامی با فهم معارف حکمت‌آمیز الهی (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۵:۱۸) و مبتنی بر اصل اساسی حکمرانی نبوی، یعنی شناخت بی‌واسطه و صریح نسبت به دین و قواعد اجتماعی و طبیعی محقق شده (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۰۲/۱۸) که باعث پیشرفت جوامع مسلمان شده بود.

۸. جایگاه مولفه عدالت در حکمرانی اسلامی

بر اساس معارف دینی، یکی از اهداف بنیادین رسالت پیامبران الهی تحقق عدالت فراگیر بیان شده است. در همین راستا دین اسلام نیز تکیه بر فطرت انسانی داشته و از همین رو راهبرد خود را بر تمرکز در جاری کردن عدالت و قسط در تمامی ساحت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در جامعه و رفع نابرابری و تبعیض قرار داده است.

مولفه عدالت به عنوان یکی از کارکردهای اصلی حکمرانی اسلامی و به ویژه نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح است. این جایگاه برآمده از اندیشه سیاسی شیعه است؛ مضمون عدالت در شیعه جایگاهی برجسته دارد و همجوار با اصول دین قرار گرفته است. حکمرانی مطلوب شیعه بر امام عادل تأکید می‌کند و وجه بارز حکومت موعود شیعی در آخرالزمان نیز فراگیر کردن عدالت در جهان تلقی شدن دانسته شده است.

وجه ممتاز و متفاوت عدالت از منظر جهان‌بینی اندیشه سیاسی شیعه، جهت‌گیری نظام ارزشی با محوریت توحید است. در حقیقت خداوند متعال برخوردار از عالی‌ترین میزان تعالی، والامرتبه‌ای، علو، پیشرفت، تکامل و نورانیت است و به همین دلیل باید مقصد هرگونه حرکت تکاملی و تعالی باشد. بر همین مبناست که کارکرد عدالت در ابعاد نظری و عملی اندیشه سیاسی شیعه بیش از آنکه اقتصادی باشد، توحیدی و اعتقادی و فرهنگی است؛ یعنی اجرای عدالت همه انحرافات و ناموزونی‌ها و نبود اعتدال‌ها را اصلاح می‌کند. بدین ترتیب می‌توان استنتاج نمود که کارکرد عدالت در برآمده از جهان‌بینی اندیشه سیاسی در حکمرانی اسلامی در وهله اول و در مبنا توحیدی و اعتقادی است. (اخوان کاظمی و بهرام، ۱۳۹۳)

چهار تلقی از عدالت در مجموعه معارف دینی احصاء می‌شود؛ عدالت به‌مثابه تقوا، عدالت به‌مثابه انصاف، عدالت به‌مثابه نفی تبعیض و عدالت به‌مثابه عقلانیت. عدالت در

اندیشه دینی هم‌سان حکمت و عقلانیت است البته نه آن عقلی که صرفاً نفع شخصی را تشخیص دهد؛ بلکه عقلی که حاوی اصول عدالت و منطبق با عقل حاکم بر هستی است. مختصات معنایی و مفهومی عقلانیت سیاسی در دوره جدید که به‌عنوان بستر و زمینه نقش‌آفرینی سیاسی و نظریه‌پردازی اندیشمندان معاصر نظیر امام خمینی (ره) است، چنین معرفی می‌شود: انحصار زدایی از سیاست دینی؛ عینی‌سازی گزاره‌های سیاسی؛ مردم‌محوری؛ رفاه به‌عنوان غایت نظام سیاسی؛ نسبی‌گرایی سیاسی. (درخشه و موسوی-نیا، ۱۳۹۶: ۱۳۳) در اسناد بالادستی ج.ا.ایران نیز پیوند مستحکمی مابین عدالت و عقلانیت در کنار معنویت برقرار شده (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸) و به غایت سعادت جامعه و در پیش‌گرفتن سیاست دین‌محور و مردم‌سالار به تلفیق آرمان و واقعیت می‌پردازد.

عدالت در حکمرانی در چهار ساحت برنامه‌ریزی؛ سازمان‌دهی؛ رهبری و نظارت نمود دارد. جهان‌بینی محوری اندیشه سیاسی در چارچوب نظام اسلامی ما را بدین نکته رهنمون می‌کند که عدالت در ساحت برنامه‌ریزی در گرو، برنامه متعادل و معتدل مبتنی بر هم‌بستگی دین و سیاست است و باید با احتساب مصالح و مفاصل واقعی ناظر به تلازم دنیا و آخرت و متکی بر اهداف بیان شده تنظیم شود. عدالت در ساحت سازمان‌دهی در مرحله تقسیم سهم و نقش‌ها و تقسیم کار است؛ کار بر دوش کسانی گذاشته شود که از عهده مسئولیت آن در محضر پروردگار و خلق او بر می‌آیند. عدالت در ساحت نظارت به معنای تلاش حکمرانی برای احقاق حق و عدم تبعیض و از این منظر رابطه تنگاتنگی با مشروعیت حکمرانی پیدا می‌کند. عدالت در ساحت رهبری یعنی واسپاری مناصب کلیدی به صالحان و شایستگان که در دانش سیاسی از آن به شایسته‌سالاری تعبیر می‌شود. شایسته‌سالاری، فرایند و روندی است که افراد باتوجه‌به عناصر توانمندی، لیاقت و کارآمدی گزینش شده و در نظام سیاسی به کار گرفته می‌شود. (غفاریان، ۱۳۷۹: ۳۷)

ترسیم جایگاه عدالت از منظر رهبران فکری حکمرانی ج.ا.ایران نیز حائز اهمیت است. ایشان احکام شرعی اسلامی را شأنی از شئون حکومت و ابزاری برای اجرای حکومت و گسترش عدالت می‌دانند. (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۱۱، ۳۸۶) همچنین عدالت از

جزو مقوله‌های کمال‌طلبی است و انسان به طور ذاتی موجودی کمال‌طلب است. ایشان تصریح دارند که توجه به کمال مطلق و عشق به کمال مطلق از فطریات است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۹۹) از دیدگاه امام خمینی (ره) یکی از مهم‌ترین و شاید اساسی‌ترین ویژگی حکمرانی ج.ا.ایران تحقق عدالت دانسته شده است. (صحیفه امام ۱۳۷۸: ۶:۵۲۵) عدالت در نگاه امام راحل (ره)، حد وسط امور با استقامت بر صراط مستقیم است. (صحیفه امام ۱۳۷۸، ۱۸؛ ۸۶)

از این منظر اجرای عدالت کلیه اعوجاج، انحرافات ناموزونی‌ها و نبود اعتدال‌ها را در حوزه انحرافات غیرتوحیدی و اعتقادی اصلاح می‌کند. (خسروپناه و سایرین ۱۳۹۶: ۵۸۰-۵۸۲)

همچنین آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از آیات قرآن عدالت را جزء ذات ادیان می‌داند. به طوری که هدف ادیان، نظام عادلانه است و بدون داشتن این هدف هیچ دینی وجود ندارد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳/۰۳/۱۳۷۰) در پرتو عدالت و نظام عادلانه به کمالات انسانی می‌توان نائل شد. اهمیت عدالت از نظر ایشان تا آنجاست که عدالت را در بین اهداف میانی از همه مهم‌تر می‌داند و راه رسیدن به اهداف غایی را هم در گروه تحقق عدالت در جامعه می‌داند. (خسروپناه و سایرین ۱۳۹۸: ۱۱۹۲) آیت‌الله خامنه‌ای معتقد هستند آرمان پیشرفت علمی، فناوری و دنیوی در قالب تمدن‌سازی و توجه به حیات مادی ملت همراه عدالت اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

جهان‌بینی محوری اندیشه سیاسی در حکمرانی ج.ا.ایران را می‌توان از طریق روش بینارشته‌ای و آینده‌پژوهانه ترسیم چشم‌انداز بدست آورد. این جهان‌بینی محوری مشتمل بر ارزش‌های اساسی و اهداف بنیادین مندرج در اسناد بالادستی حکمرانی ج.ا.ایران است. مطابق این اسناد، جهان‌بینی محوری اندیشه سیاسی در چارچوب مولفه‌های حکمرانی ج.ا.ایران با تأکید بر مولفه‌ی عدالت بر پیوند غیر قابل گسست با دین توحیدی و شریعت اسلام تأکید دارد و در تلازم با فقه سیاسی شیعه و بهره‌گیرنده از عقل و دانش بشری و در هم تنیدن آن با معنویت و عدالت دیده شده است. اندیشه سیاسی در این قواره صرفاً به معنی علم قدرت‌اندیش نیست، بلکه بالعکس؛ حکمت حکمرانی

مومنانه‌ای است که شریعت‌اندیش و سعادت‌نگر می‌باشد و به نحوی جامع‌الاطراف، همه وجوه حیات مادی و معنوی فرد، جامعه و ساحت سیاست را به اتکای خواست و اراده جمهور مردم متأثر می‌سازد.

علاوه بر این، اهداف بنیادین مشتمل بر استقرار حکومتی فراگیر بر اساس مقاصد توحیدی و عدالت‌محور تحت هدایت و مدیریت خلیفه الهی بر زمین یعنی امام معصوم (ع) در زمان حضور ایشان و ولی فقیه در زمان غیبت ایشان است. حکمرانی در چنین غایتی باید زیست پیشرفته مدنی با تضمین حقوق و آزادی‌های مشروع را در کنار استقلال، امنیت و یکپارچگی ملی، آسایش مادی و تعالی اخلاقی جامعه را مطلع خود قرار دهد. اندیشه سیاسی شیعه در چارچوب مولفه‌های حکمرانی ج.ا.ایران متعهد به حل مسائل و رافع نیازهای زیست بوم اسلامی - ایرانی در تنظیم روابط انسان با خدا، انسان با خودش، انسان با سایر انسان‌ها و طبیعت است.

با تأکید بر مؤلفه‌ی عدالت و مبتنی بر جهان‌بینی احصاء شده، هدف اساسی حکومت اسلامی، پیاده‌سازی عدالت اجتماعی و انفرادی دانسته شده است. اصل عدالت، وظیفه‌گرایانه و ناشی از الزام برخاسته از حقوق طبیعی بیان شده است. هرچند لازم است عدالت در ساحت‌های مختلف جامعه با نظریه‌پردازی، شاخص‌ها و معیارهای عدالت متناسب با منابع بومی تعیین شود.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۹۳). *تقدم بعد توحیدی و اعتقادی الکوی عدالت و پیشرفت*. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲. ترک‌زاده، جعفر و سایرین. (۱۴۰۲). "تبیین و مقایسه پیش‌فرض‌های جهان‌بینی در رویکردهای اسلامی و غربی: کاربرد در سازمان و مدیریت." *مطالعات دین، معنویت و مدیریت*. شماره ۱۸.
۳. حسینی زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۹۵). "مشروعیت و عدالت در اندیشه سیاسی شیعه، درآمدی بر مشروعیت عدالت بنیاد." *شیعه‌شناسی*. شماره ۵۳.

۴. خدوری، مجید. (۱۳۹۴). "برداشت مسلمانان از عدالت." (م، یونسی؛ ص، ظهیری. مترجم). قم: دانشگاه مفید.
۵. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۸). *منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. درخشه، جلال؛ موسوی‌نیا، سیدمهدی. (۱۳۹۶). "کارکرد نظریه عقلانیت سیاسی در انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه و عمل حکومتی امام خمینی (ره)." *اندیشه سیاسی در اسلام*. شماره ۱۳.
۷. رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۶). *معرکه جهان‌بینی‌ها: در خردورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان*. تهران: احیاء کتاب.
۸. بی‌نا. (۱۳۹۰). *روشنای علم: مروری بر بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیرامون دانش و تولید علم*. تهران: موسسه فرهنگی لوح و قلم، انتشارات انقلاب اسلامی.
۹. بی‌نا. (۱۳۹۱). *علمی برای تحول، علوم انسانی از منظر رهبری معظم انقلاب*. قم: موسسه بروج، انتشارات کتاب فردا.
۱۰. ساعی، احمد. (۱۳۹۸). "جایگاه حکمرانی خوب در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره)." *رهیافت انقلاب اسلامی*. سال سیزدهم، شماره ۴۸.
۱۱. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۴). "جهانی شدن، حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی ایران." *راهبرد*. شماره ۳۶.
۱۲. غفاریان، وفا. (۱۳۷۹). *شناسی‌های مدیریتی*. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۱۳. فلاح، محمود. (۱۴۰۰). "واکاوی معناشناختی منشاء قدرت سیاسی در پرتو جهان‌بینی قرآنی." *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*. شماره ۶۸.
۱۴. فاستر، مایکل. (۱۳۷۳). *خداوندان اندیشه سیاسی*. (ج، شیخ‌الاسلامی. مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. فیاض، ابراهیم. (۱۳۸۳). "انقلاب اسلامی و دانش زندگی محور." *پگاه حوزه*. ش ۱۵۲.
۱۶. قراملکی، فرامرز؛ سیاری سعیده. (۱۳۸۶). "ابعاد و زمینه‌های تحویلی‌نگری در دین پژوهی." *اندیشه نوین دینی*. سال سوم، ش ۸.

۱۷. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۶). *صحیفه امام خمینی (ره)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۸. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۶). *ولایت فقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۹. موسوی خمینی، روح‌الله. (بی تا). *کشف الاسرار*. قم: انتشارات آزادی.
۲۰. موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵ق). *الرسائل*، مع تزییلات مجتبی الطهرانی. قم: مؤسسه اسماعیلیان لطباعه و النشر و التوزیع.
۲۱. میرشاه ولایتی، فرزانه. (۱۳۹۰). *راهنمای عملی تدوین چشم‌انداز*. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۲۲. (بی تا). (۱۳۹۶). *مقالات ششمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲۳. مجتبیایی، فتح‌الله. (۱۳۵۲). *شهر زیبای افلاطون و شاه‌ی آرمانی در ایران*. تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
۲۴. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۲). "بررسی نظریات انقلاب در انقلاب اسلامی و رابطه‌ی آن با جمهوری اسلامی." *مجله دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی*. ش ۶۱.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار*. تهران: مؤسسه صدرا.
۲۶. میرزمانی، اعظم. (۱۳۹۵). "روشی برای تولید علوم اسلامی مطالعه موری: دلیل بنیادین خط مشی‌گذاری عمومی در جهان‌بینی اسلامی." *روش‌شناسی علوم انسانی*. ش ۸۸.
۲۷. نامدار، مظفر. (۱۳۸۴). "سلسله مقالات امام خمینی (ره)؛ انقلاب اسلامی و شالوده-شکنی سیطره گفتمان‌های رسمی در حوزه سیاست (۳)." *پانزده خرداد*. سال دوم، ش ۳.
۲۸. هاشمیان، سیدمحمدحسین؛ نامخواه، مجتبی. (۱۳۹۳). "تحلیل امام خمینی از چپستی انقلاب اسلامی و دلالت‌های آن در سیاست‌گذاری عمومی." *سیاست‌متعالیه*. سال دوم، ش ۷.

29. Nash, R. (2010). *Worldviews in conflict: Choosing Christianity in a world of ideas*. Grand Rapids, MI: Zondervan press.

30. Dewitt, R. (2018). *Worldviews: An introduction to the history and philosophy of science*. John Wiley & Sons.